



Volume 2, Issue 2, 2022

Statistical Study of Suicide in Golestan Province during 2019-2020

Hossein Ali Izad¹, Kiumars Kalantari^{*2}, Ali Akbar Esmacili³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 115-124

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9624-1559

TELL: +989111123338

Email: kalantar@nit.ac.ir

Article history:

Received: 29 Mar 2022

Revised: 14 May 2022

Accepted: 29 May 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

*Suicide,
Factors of Suicide,
Golestan Province.*

ABSTRACT

Suicide is always one of the most important issues that have prompted most countries to evaluate the various causes and factors related to it and provide a suitable solution in this field. It is difficult to identify suicide factors in any country due to the diversity of different cultures and ethnicities. According to the statistics obtained from the Welfare Organization and the General Department of Justice of Golestan province, women have the highest suicide rate, and the age groups of 15 to 24 years and urban residents and people with middle school education have the highest suicide rate. In this article, with access to various statistical sources regarding the percentage of suicide in Golestan province, a statistical investigation of suicide in this province has been done based on variables such as age, gender, education, employment, marital status and place of residence. The studies carried out in the research are analytical and descriptive and the findings indicate that in Golestan province, housewives and married women and young people have committed the most suicides, and the economic and emotional reasons are the most important factors in committing suicides.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Izad, HA; Kalantari, K & Esmacili, AA (2022). "Statistical Study of Suicide in Golestan Province during 2019-2020". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 115-124.



دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

بررسی آماری خودکشی در استان گلستان در سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۸

حسینعلی ایزد^۱، کیومرث کلانتری^{۲*}، علی اکبر اسماعیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

خودکشی، همواره یکی از موضوعات بسیار مهمی است که اکثر کشورها را بر آن داشته تا علل و عوامل مختلف مربوط به آن را ارزیابی نموده و راهکار مناسبی را در این زمینه ارائه نمایند. شناسایی عوامل خودکشی در هر کشوری با توجه به تنوع فرهنگ‌ها و اقوام مختلف با دشواری مواجه است. در آمار به دست آمده از سازمان بهزیستی و اداره کل دادگستری استان گلستان، زنان بیشترین آمار خودکشی را دارند و گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال و شهرنشینان و افراد با تحصیلات راهنمایی بیشترین آمار خودکشی را به خود اختصاص داده‌اند. در مقاله حاضر، با دسترسی به منابع آماری مختلف درخصوص درصد خودکشی در استان گلستان به بررسی آماری خودکشی در این استان براساس متغیرهایی همچون سن، جنس، تحصیلات، اشتغال، تأهل و مکان زندگی پرداخته شده است. مطالعات صورت گرفته در پژوهش حاضر، به صورت تحلیلی و توصیفی است و یافته‌ها حاکی از آن است که در استان گلستان، زنان خانه‌دار و متأهل‌ها و جوانان و نوجوانان بیشترین خودکشی را مرتکب شده‌اند که دلایل اقتصادی و عاطفی از مهمترین عوامل خودکشی‌کنندگان بوده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۵-۱۲۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اریکد: ۱۵۵۹-۹۶۲۴-۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۲۳۳۳۸

ایمیل: kalantar@nit.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

خودکشی، علل خودکشی، استان گلستان.



مقدمه

موضوع خودکشی همواره در مباحث مختلف جرم شناختی، کیفرشناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و سایر علوم مورد مطالعه و توجه نظریه پردازان قرار گرفته است و هریک از نظریه پردازان به دنبال بررسی علل و عوامل مختلفی در زمینه این پدیده بوده اند. خودکشی واقعه ای بر علیه نفس شخص است که علل مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی و... در آن نقش دارد و وضعیت آن در مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگی متفاوت است. با توجه به اینکه استان گلستان نیز از وقوع این چنین حوادثی مصون نیست لیکن در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در رده بندی آماری جزو ۱۷ استان ایران در آمار بیشترین خودکشی ها بوده است. این آمار در سال ها ۱۳۹۹-۱۳۹۸ نیز کمتر از این آمار نبوده و به عنوان استان های میانی مورد شناسایی قرار گرفته است. به طوری که مجموع خودکشی کنندگان در سال ۱۳۹۸ به تعداد ۳۰۵۹ نفر می باشد که از این تعداد ۹۸۹ نفر آن را مردان مرتکب شده و ۲۰۷۰ نفر آن را زنان تشکیل داده اند و در سال ۱۳۹۹ نیز تعداد ۲۹۱۴ نفر مرتکب خودکشی شده اند که از این تعداد ۱۱۰۴ آن را مردان و ۱۸۱۰ نفر آن را زنان مرتکب شده اند که در مجموع آمارهای مختلفی به دست آمده است به طوری که بیشترین تعداد خودکشی کنندگان در هر دو سال را متأهلین و شهرنشینان به خود اختصاص داده اند و گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال بیشترین خودکشی کنندگان بوده اند، که آمارهای فوق الذکر و مورد استنادی در مقاله حاضر با توجه به آمارهای به دست آمده از مرکز آمار بهزیستی و مرکز آمار دادگستری استان گلستان است. اما تدبیر چیست و راهکارهای پیشگیرانه از این واقعه در استان چه می باشد؟ علل این نوع اقدامات در استان چه بوده و چه عواملی باعث گردیده است که استان گلستان در سطح میانی قرار گرفته است؟ مهم ترین موضوع در پیشگیری از خودکشی در استان گلستان را می توان توانمندسازی آموزش، تأمین اشتغال، بالا بردن سطح سواد و

فرهنگ و... عنوان نمود. اما این راهکارها نیازمند هزینه و وقت است که می بایست در قالب بودجه، مورد توجه قرار گیرد. در تحقیقات گوناگون به علل مختلف وقوع خودکشی در استان گلستان، اشاره گردیده است که عمده ترین آنها عواملی از قبیل فرهنگ، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح درآمد و اشتغال، سطح سواد، خانواده و ... است و برخی (شیرزاد و قره داغی، ۱۳۸۶: ۱۶۳) عنوان نموده اند که: «برای کاهش میزان خودکشی باید به تربیت و پرورش اجتماعی افراد بها داده و خانواده ها و مربیان باید به طور دقیق و محبت آمیز رفتار کودکان و نوجوانان را تحت نظر بگیرند». به نظر می رسد که در راستای کنترل و پیشگیری از وقوع خودکشی می بایست به عوامل پیشگیرانه توجه ویژه ای شود و علی رغم پیشگیری در سطح اولیه، ثانویه و ثالثه به پیشگیری های کیفی، وضعی و اجتماعی و حتی پیشگیری مدیریتی نیز توجه ویژه گردد. اگر آموزش در سطح کل کشور، هزینه بر است، لااقل در سطح استان هایی که با این پدیده بیشتر روبه رو هستند، کلاس های مذهبی و آموزش از طریق فضاهای مجازی و اشاره به حرمت این عمل توجه و اشاره گردد. به نظر می رسد، برخی عوامل پیشگیرانه به طور کامل نمی توانند مانع خودکشی اشخاص گردد. برای مثال در نزاع بین زن و شوهری که رفتارهای آنان به حد غیر مهار رسیده است، تصمیم لحظه ای آنان می تواند باعث خودکشی گردد. ولیکن سطح سواد آنان و فرهنگ و خانواده می تواند پدیده خودکشی را مذموم و حرام دانسته و مانع از خودکشی گردد. از جهاتی نیز عللی همچون بی سوادی و عدم آشنایی با احکام الهی می تواند از مهمترین علل پدیده خودکشی باشد و از جهاتی نیز جوانان و نوجوانان به علت عدم تمیز عقلی، درصد بالایی از خودکشی ها را به خود اختصاص داده اند و این موضوعات می تواند ریشه های پنهانی در درون نوجوانان و جوانان داشته باشد که به صورت درونی در خود فرد نهفته و به گونه خودکشی پدیدار گشته است. از این جهت در مقاله حاضر، به دنبال مطالعه علل

گلستان، اشخاص مرتکب خودکشی می‌گردند در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تقریباً مشابه است.

۳۹۱۴	۲۰	مجموع	۳۰۵۹
۲۰	۱۶	۷۱,۰۶۴	۱۶
۳۹	۴۲	۹۴۵۵۵	۴۲
۱۱۹	۱۰۲	۵۴۵۴۵	۱۰۲
۳۹۲	۳۹۳	۳۴۵۴۵	۳۹۳
۹۰۶	۹۱۸	۳۴۵۴۵	۹۱۸
۱۳۷۹	۱۳۴۹	۳۴۵۴۵	۱۳۴۹
۱۵۹	۱۳۹	۱۴۵۵	۱۳۹
۱۸۱۰	۲۰۷۰	زن	۲۰۷۰
۱۱۰۴	۹۸۹	مرد	۹۸۹
۱۳۸۹	۱۳۸	سال	۱۳۸

با تدقیق در جدول فوق می‌توان مشاهده نمود که سنین ۱۵ تا ۲۴ در هر دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بیشترین آمار خودکشی را به خود اختصاص داده‌اند که این سنین اکثراً رده جوانان هستند. مشخص است که این سنین می‌تواند عوامل مختلفی همچون فقر، بیکاری و شکست عشقی را در بر داشته باشد.

۲- جنس

شکی نیست که در هر جامعه تعداد مردان بزهکار به مراتب بیش از زنان تبه‌کار آن جامعه است اما این آمار در خصوص خودکشی در استان گلستان چنانچه که خواهد آمد متفاوت است. نگاهی به جامعه زندان‌ها و آمار زندانیان مرد و زن در کشورهای مختلف مؤید این حقیقت است که اختلاف بسیار فاحش بین تعداد مردان و شماره زنانی که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و محکومیت جزایی یافته‌اند وجود دارد (کی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۴). گروهی از محققان ناچیز بودن تبه‌کاری زنان را به ویژگی طبع آنان نسبت می‌دهند؛ طبع زن مقتضی داشتن آن حد از نیروی کافی بدنی مردانه برای ارتکاب پاره‌ای از جرایم نیست و همین ویژگی (ضعف نیروی بدنی) زنان را فاقد نیروی جرم‌زا نموده و از تمایل آنان به جرایم دیگر کاسته است. به این ترتیب منشأ بی‌تناسبی بین دو تبه‌کاری را اصولاً باید در اختلاف بیولوژیک این دو جنس جستجو نمود؛ مع هذا این نظر امروزه مورد انتقاد واقع گردیده است و هنگامی که سخن از بی‌تناسبی مطلق در میان است،

خودکشی در استان گلستان در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ و راهکارهای پیشگیری از آن هستیم تا با بررسی علل خودکشی در استان گلستان، راهکار مناسب ارائه گردد.

در راستای علت‌شناسی پدیده خودکشی در استان گلستان در بین سال‌های ۹۸ و ۹۹ می‌توان به عوامل مختلفی اشاره نمود که در متون جرم‌شناسی نیز به بررسی این علل پرداخته شده است.

۱- سن

ارتکاب خودکشی توسط اشخاص با توجه به سن تغییر می‌یابد. کتله^۱ دانشمند بلژیکی و بنیانگذار آمار جنایی به سال ۱۸۳۱ طی یک مقاله علمی زیر عنوان «تحقیقات درباره گرایش به جنایات در سنین مختلف» که به آکادمی علوم بلژیک تقدیم نموده، این مسأله را خاطر نشان کرده است: «سن مستقیماً به‌طور غیر مستقیم تأثیری عظیم و شگرف در فراوانی و شکل جرایم دارد» (کی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۷۶).

فردی که برای نخستین بار محکومیت می‌یابد، هر قدر جوان‌تر باشد به همان نسبت بیشتر امکان دارد که برای یک دوره طولانی نیز مرتکب جرایم گردد و متحمل محکومیت‌های دیگری شود. علی‌رغم مطالعات انجام شده، تاکنون سن دقیق شروع بزه‌کاری انسان مشخص نشده است، اگرچه بعضی از تحقیقات آن را بین سه تا پنج سالگی می‌دانند. با این حال، باید گفت که هیچ سنی مباین با ارتکاب بزه نبوده و امکان وقوع خودکشی در تمام ادوار زندگی افراد وجود دارد. در رابطه با ارتکاب خودکشی برخی از جرم‌شناسان مبادرت به تقسیم دوران زندگی افراد نموده و در هر مرحله، آن را دارای مشخصات ویژه‌ای دانسته‌اند (نجفی‌توانا، ۱۳۹۰: ۱۶۳). اما مسأله مهم آن است که میانگین سنی که در استان

^۱ - Cattle

است که با تدقیق در آمار زندانیان زندان‌های استان گلستان درصد ارتکاب جرم از سوی زنانی که به مجازات حبس محکوم گردیده‌اند، کمتر از مردان است.

۳- تحصیلات

امروزه محیط مدرسه و دانشگاه به‌عنوان دو نهاد پایدار اجتماعی بیشترین سهم را در تربیت کودکان و نوجوانان پس از خانواده بر عهده دارند. خانه و محیط مدرسه و دانشگاه به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی اشخاص نقش دارند. از جمله هم نوا کردن کودکان با ارزش‌ها، باورها، اعتقادات دینی، قواعد رفتاری و هنجارهای اجتماعی از وجوه تربیتی است که این دو نهاد به شکل غیر رسمی در خانه و رسمی در محیط مدرسه و دانشگاه، به اشخاص القا می‌کنند. فرآیند جامعه‌پذیری فرد از محیط خانواده و خانه آغاز می‌شود و در محیط مدرسه و دانشگاه تکامل می‌یابد. به این ترتیب در مورد این مطالب که مدرسه در جامعه‌پذیری کودکان و آموزش مهارت‌های زندگی، توسعه دانایی، گسترش آگاهی و تقویت احساس مسؤولیت افراد و همچنین پیشگیری از بزهکاری و مهار آن نقش ساختاری دارد، تردیدی وجود ندارد (معظمی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). پس از خانواده، محیط مدرسه و دانشگاه عامل جامعه‌پذیری اشخاص و انتقال دانش به آنان است. به رغم دور‌کیم^۳، مدرسه میانجی اخلاق عاطفی خانواده و اخلاق سخت زندگی در جامعه است (علاقه‌مند، ۱۳۷۴: ۱۴۷). اما اجتماعی شدن یا آموختن چگونه اجتماعی زیستن، در رشد و تعالی فرد و نیز جامعه نقش محوری دارد. اجتماعی شدن حاصل ساز و کار بنیادین این فرایند عبارتند از: یادگیری و درونی کردن، یادگیری از طریق اعمال همچون تکرار، تقلید پاداش و تنبیه، آزمایش و خطا و بازتاب عادات، ارزش‌ها، رفتارها و درونی کردن با گذر از مراحل شرطی شدن، رهیابی و تثبیت در ارگانیسم انسانی و

انتقاد شدت می‌یابد. دانشمند آمریکایی ساترلند^۱ و همکار و جانشین او کرسی^۲، این نظر را تخطئه کرده و حتی مسخره‌آمیز خوانده‌اند. انتقادات این دو محقق به این شرح خلاصه می‌شود: «اگر زیست‌شناسی به تنهایی می‌توانست نسبت تبهکاری زنان و مردان را توجیه کند، این نسبت باید برای تمام کشورها ثابت بماند زیرا اختلاف بیولوژیک مرد و زن در تمام کشورها به یکسان وجود دارد و حال آنکه بر طبق تحقیقات طرفداران نظریه بیولوژیک، در یک عصر، مردان بلژیک ۳۴۲ مرتبه بیشتر از زنان مرتکب جرم شده‌اند و در کشورهای الجزایر و تونس این نسبت از ۲۴۴۴ مرتبه گذشته بود. تغییرات این نسبت را بین شهرها و روستاها از یک‌سو و تغییرات حاصله در زمان جنگ را از دگر سو، چگونه می‌توان به تنهایی در پرتو این فرضیه توجیه نمود؟» (کی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۵۶) زیلیگ که از توجیه زیست‌شناسی کاملاً صرف‌نظر نکرد، در مقام دفاع جدی آن هم برنیامده است و در بیان علت وجود اختلاف نسبت بین تبهکاری مردان و زنان چنین می‌نویسد: «این پدیده تا حدودی ناشی از اختلاف جنس‌ها است (که از نظر زیست‌شناسی معلوم است) و تا حدودی مرهون موقعیت ممتاز زن در جامعه به منظور مبارزه برای زندگی می‌باشد که از نظر جامعه‌شناسی این نکته مسلم است» (کی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۵۹). به‌طور کلی در سطح استان گلستان در سال‌های اخیر درصد خودکشی زنان بیش از مردان بوده است و این موضوع در جدول ذیل نمایان است.

سال	مرد	زن
۱۳۹۸	۹۸۹	۲۰۷۰
۱۳۹۹	۱۱۰۴	۱۸۱۰

با تدقیق در جدول فوق، می‌توان عنوان داشت که درصد خودکشی زنان نسبت به مردان بیشتر از جرایم ارتكابی است که در سطح جامعه ارتکاب می‌گردند. این موضوع به گونه‌ای

^۱ - Sutherland

^۲ - Kersey

^۳ - David Emile Durkheim

با تدقیق در جدول ارائه شده می‌توان عنوان داشت که با ارتقاء تحصیلات اشخاص، درصد خودکشی کاهش می‌یابد و آنچه که حائز اهمیت است درصد میزان خودکشی در بین اشخاصی است که در دوران ابتدایی و راهنمایی، مرتکب این جرم گردیده‌اند و این میزان می‌تواند عدم کنترل والدین در خانواده و عدم شناسایی این اشخاص توسط مدیران و معلمان مدرسه را نمایانگر باشد.

۴- بیکاری و اشتغال

بیکاری و دارا بودن شغل از جمله عواملی است که رابطه مهمی در راستای خودکشی اشخاص دارد. با این وجود تردیدی نیست که اکثر نویسندگان بر تأثیر بیکاری در افزایش خودکشی تأکید می‌ورزند و معتقدند که «بیکاری اندک، موجب اندکی از جرایم و خودکشی می‌گردد، بیکاری معتدل و متوسط، تعداد بیشتری را به سوی ارتکاب جرم و خودکشی سوق می‌دهد و بیکاری خیلی بالا احتمالاً بخش عظیمی از جامعه را به نقض قوانین حتی سوء قصد نسبت به خود فرا می‌خواند» (غلامی، ۱۳۹۰: ۲۵۹). در این راستا برخی از نویسندگان کوشیده‌اند به توضیح کیفیت این ارتباط بپردازند. سویشر^۲ تصریح می‌کند که برای تبیین چگونگی این رابطه تفاسیر متعددی وجود دارد:

«۱- بیکاران به سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا می‌کنند تا نیازهای اقتصادی ضروری را برطرف کنند.

۲- جرم منفعت بیشتری به همراه دارد و نسبت به کار و اشتغال زحمت و تلاش کمتری نیاز دارد و خطر قابل پذیرشی را برای افراد بیکار عرضه می‌دارد.

۳- نوجوانان و جوانان بیکار به سوی ارتکاب جرم کشیده می‌شوند تا اعلام اعتراض کنند و پول توجیبی خود را تأمین کنند.

روانی شخص جای می‌گیرند. نهادهای آموزشی به‌ویژه مدارس و دانشگاه‌ها به‌طور منظم از طریق کارکرد مهم آموزشی دانش‌آموزی را برای ورود به جامعه انسانی آماده می‌کند، به عبارتی شالوده و اساس تربیت اجتماعی و مسؤولیت نظام آموزشی را برای دانش‌آموزان یاد می‌دهد. در واقع کلیه عادات و آداب زندگی اجتماعی را باید در این نظام آموخت برای ایفای چنین نقشی، مدرسه نیازمند نظم و آرامش و ارتباطی متقابل بین اولیا مدرسه و دانش‌آموزان است. در واقع می‌توان گفت حرف‌شنوی دانش‌آموزان از اولیاء مدرسه است که این پیوند متقابل را ایجاد می‌کند (آقابخش، ۱۳۷۹: ۱۹۲). مطالعات متعددی این مطلب را تأیید کرده‌اند که بزه‌کاری با پیشرفت تحصیلی در ارتباط است. کودکی که به‌طور مداوم در فعالیتهای آموزشی شکست می‌خورد و پیوسته مورد سرزنش مسؤولان آموزشگاه و اولیای خویش قرار می‌گیرد، می‌کوشد به نحوی این شکست و عدم موفقیت را جبران کند، از آن جمله با رفتار ضد اجتماعی توجه مردم را به خود و شرایط نامناسب جلب می‌کند (شیخوندی، ۱۳۸۰: ۳۱۳). بر اساس نظریه هیرشی^۱ هرچه میزان مشغولیت شخصی در فعالیتهای اجتماعی- اقتصادی جامعه زیاده‌تر باشد، فرصت کمتری برای کج‌روی خواهد داشت. از جمله عوامل بازدارنده بزه‌کاری اشتغال به تحصیل است (معظمی، ۱۳۹۰: ۲۴۱). بنابراین میزان تحصیلات اشخاصی که اقدام به خودکشی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در استان گلستان نموده‌اند را ذیلأ مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سال	مرد	زن	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم و فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	نامشخص	باز	مجموع
۱۳۹۹	۹۸۶	۲۰۷	۱۰۷	۶۲۱	۸۰۱	۶۶۵	۵۷۵	۱۴۰	۱۲	۲	۱۲۹	۵	۲۰۵
۱۳۹۸	۱۱۰	۱۸۱	۸۶	۶۱۲	۸۱۴	۶۴۱	۶۱۹	۸۸	۱۱	۲	۰	۲۱	۱۴۱

^۱ - Hirschi

^۲ - Swisher

که این موضوع بیانگر آن است که عدم اشتغال می‌تواند تأثیر مثبتی بر افزایش آمار خودکشی کنندگان داشته باشد.

۵- طلاق

موضوع طلاق، شاید در افزایش جرایم و ارتکاب آن آثار فزاینده‌ای داشته باشد اما این موضوع در خصوص خودکشی در استان گلستان نقش میانه‌ای دارد و اکثر افرادی که مرتکب خودکشی می‌گردند، عمدتاً متأهل هستند اما در آمار مجردین می‌توان شکست عشقی را مشاهده نمود، موضوعی که برخلاف نکاح و طلاق در جایی ثبت نمی‌گردد و روابطی است که افراد خودکشی کننده با جنس مخالف خود دارند. اما مشخص نیست که در آماری که از خودکشی کنندگان گرفته می‌شود، چه میزانی از آنها پدر و مادرشان را بر اثر طلاق والدین از دست داده‌اند. بسیاری از فرزندان که گروه اطفال و نوجوانان را تشکیل می‌دهند، پس از طلاق والدین احساس روان‌شناختی بدی همچون سرگشتگی و خشم بیش از حد و احساس گناه می‌نمایند. هنگامی که چنین احساس‌های به شیوه‌های سالم و مفید ابراز و پذیرفته نشود، نگاه فرزندان به خود و دیگران دچار آسیب می‌گردد به همین دلیل می‌باشد که چندین سال پس از طلاق گرفتن والدین، هنوز فرزندان طلاق از آن به‌عنوان مخرب‌ترین رویداد کودکی و شاید هم زندگی‌شان یاد می‌نمایند. کودکان طلاق با وجود پیوستن به بزرگترین جمع کشور هنوز احساس متفاوتی دارند و اغلب باور دارند که هیچ کس آنها را به معنای حقیقی درک نمی‌نماید و آنها نگران این می‌باشند که خانواده‌هایشان به خوبی خانواده‌ای منسجم نیستند. نوجوانان و کودکان، معمولاً از این می‌ترسند که آنها نیز به همان سرنوشت پدر و مادرشان دچار خواهند شد و روابط آتی آنها با شریک آینده زندگی‌شان نیز به شکست بیانجامد و در دوره‌ای که کودکان باید به اعتماد به خود دنیای اطراف و توانایی‌هایشان در ایجاد روابط مثبت و سالم را بیاموزند چنین احساس‌هایی می‌تواند ویرانگر باشد. در

۴- بیکاران متمایل به ارتکاب رفتار مجرمانه کسانی هستند که فاقد سابقه و وجاهتی نیکو بوده و یا دارای سوابق مجرمانه متعدد هستند.

۵- بیکاران در معرض فشارهای روانی مضاعفی هستند که موجب تشدید روابط نامساعد آنان با دیگران می‌شود. این امر منجر به افزایش افسردگی‌ها و ناامیدی‌ها شده، در قالب ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز علیه اعضای خانواده و یا سایر افراد در دسترس به نحو انفجار آمیزی ظهور می‌کند.

۶- بیکاری ثبات مشارکت در جوامع اولیه را از بین می‌برد» (غلامی، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

به‌طور کلی به آماری که در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در خصوص تعداد اشخاصی که در شرایط اشتغال مختلف، مرتکب خودکشی گردیده‌اند اشاره خواهد شد.

سال	مرد	زن	تیکار	خانه‌دار	محصل و دانشجوی	کارگر	کارمند	کشاورز	دامدار	آزاد	نامشخص	سایر	مجموع
۱۳۹۱	۹۸۶	۲۰۷۰	۳۰۹	۱۳۲۸	۷۵۸	۱۹۸	۴۰	۱۹	۴	۳۳۳	۱۲۵	۱۴۵	۳۰۵۹
۱۳۹۹	۱۱۰۴	۱۸۱۰	۳۴۵	۱۱۲۵	۷۷۱	۳۷۰	۴۴	۲۵	۵	۵۶۱	۱۰	۱۵۳	۴۲۱۴

مطابق جدول بالا، تعداد خودکشی از سوی خانه‌داران که گروه زنان نیز هستند در رتبه اول قرار دارد و سپس گروه محصلان و دانشجویان در مرحله بعد قرار گرفته و در رتبه بعدی نیز بیکاران و اشخاصی هستند که از شغل آزاد برخوردارند. با توجه به این موضوع می‌توان عنوان نمود که عمده اشخاصی که اقدام به خودکشی می‌نمایند عمدتاً در خانه مشغول کار هستند و محصل و بیکار و شغل آزاد دارند

ذیل به آماری که در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در خصوص تأهل و مجرد خودکشی کنندگان ارائه گردیده اشاره می‌گردد.

سال	تأهل	مجرد	مطلقه	متاهله	مطلقه	متاهله	مطلقه	متاهله
۱۳۹۸	۹۸۹	۲۰۷۰	۱۵۵۲	۱۲۸۴	۱۲۲	۲۶	۷۵	۳۰۵۹
۱۳۹۹	۱۱۰۴	۱۸۱۰	۱۴۷۹	۱۲۶۸	۱۲۴	۲۳	۲۰	۲۹۱۴

با تدقیق در آمار مذکور، می‌توان عنوان داشت که گروه متأهلین اکثریت خودکشی کنندگان را به خود اختصاص داده است و مطابق گزارش‌های به دست آمده، اکثر افراد هستند که با خانواده خود مشکل دارند و این موضوع سابقاً در خصوص درصد خودکشی کنندگان خانه دار اثبات گردیده بود. در مرحله بعد نیز، مجردین و سپس مطلقه‌ها، آمار خودکشی کننده بالا را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی آمار اشخاصی که تجربه تأهلی را داشته‌اند بالا است و سپس در بین اشخاص مجرد نیز، اشخاصی که با شکست عشقی روبرو گردیده‌اند، آمار فزاینده خودکشی در استان گلستان را به خود اختصاص داده است.

۵- مکان زندگی (شهرنشینی و روستانشینی)

درصد خودکشی کنندگان در روستا و شهرهای استان گلستان، با توجه به شرایط متفاوتی که جرم‌شناسان نیز آن را تبیین نموده‌اند، متفاوت است. مطابق نظریه بوم‌شناختی که در دهه ۱۳۲۴ در شیکاگو ایجاد شد، بین ارگانسیم‌ها و محیط رابطه وجود دارد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان بر حسب محیط شهری او تبیین کرد. پارک و برگس^۱ معتقدند که اقلیت‌های قومی (عمدتاً مهاجرین)

وقتی که وارد شهر می‌شوند، از فرهنگ همگن خود جدا شده و به‌عنوان یک خرده فرهنگ وارد گروه بندی‌های ساکنین شهری می‌شوند. این فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت (عمدتاً مهاجرین) به گروه‌های خرده فرهنگی همراه با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین ساکن این منطقه و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهری در جوامع صنعتی به خرده فرهنگ بزهکارانه و به‌طور کلی شیوع جرم و جنایت منتهی می‌شود. نتیجه گرفتند که فقر، تحرک اجتماعی عمودی رو به بالای ساکنان و ناهمگونی قومی منجر به ضعف تعهدات و کنترل اجتماعی می‌شود و بی‌سازمانی اجتماعی را به وجود می‌آورد که به نوبه خود منجر به رفتار انحرافی همچون خودکشی می‌شود. هیرشی^۲ با استفاده از این نظریه، نظریه کنترل را بیرون کشید که عمده‌تاً برخورد جوانان، خانواده‌ها مدارس و گروه همسالان توجه می‌کند. نظریه طبقه بندی واحد مسکونی، بر این پایه استوار است که میزان ارتکاب جرم توسط افراد اجاره نشین شهر بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است. به عبارتی تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد جامعه و از جمله نوعی تصرف مسکن آنها در ارتکاب عمل مجرمانه، مؤثر است (بلالی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷). به این مفهوم که در برخی نقاط مسکونی، که واحدهای مسکونی در آن قرار دارند، این نقاط می‌توانند مساعد در ارتکاب جرم و شکل‌گیری باشد. برای مثال در واحدهای مسکونی پر جمعیت و دور از شهر و عدم دسترسی به نیروهای نظامی و مراجع قضایی، جرم می‌تواند به راحتی در میان این گروه‌ها نفوذ کند و رفتار مجرمانه شکل گیرد و این عامل می‌تواند مساعد شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه مختلفی همچون خودکشی باشد که معارض با قانون و نظم عمومی است. از این جهت تعداد افرادی که در سطح شهر و

² - Hirschi

¹ - Park and Burgess

روستا در استان گلستان اقدام به خودکشی نموده‌اند ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سال	روستا	شهر
۱۳۹۸	۱۳۲۰	۱۷۳۹
۱۳۹۹	۱۱۷۸	۱۲۰۳

میزان خودکشی‌کنندگان در سطح شهر بیش از روستا نشینان است و عوامل مختلفی در این میزان دخالت دارند که شرح آن در مطالب فوق‌الذکر مورد بررسی قرار گرفت. با تدقیق در میزان خودکشی‌کنندگان شهرنشین و روستانشین می‌توان پی برد که نفرات خودکشی‌کننده در روستا و شهر، نزدیک به هم می‌باشند و این موضوع می‌تواند در کثرت روستا نشینان در استان گلستان باشد.

نتیجه‌گیری

خودکشی پدیده شومی است که در جهت ارائه راهکارهای مقابله با این پدیده می‌بایست به شناسایی علل آن پرداخت. در استان گلستان زنان خانه‌دار و متأهل‌ها و جوانان و نوجوانان بیشترین تعداد خودکشی را به خود اختصاص داده‌اند که این امر نیازمند بررسی دقیق‌تر و اجرای زمینه‌های پیشگیری مناسب است.

نتایج مقاله پیش‌رو نشان داد که اقدام به خودکشی در بین افرادی که جوان، متأهل، با جنسیت زن و دارای سطح تحصیلات پایین به ویژه خانه‌داران در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شیوع بیشتری دارد. لذا ضرورت دارد تا رخداد خودکشی به عنوان یکی از مسائل و مشکلات مهم بهداشت عمومی استان گلستان در نظر گرفته شده و اقدامات لازم برای کاهش آن صورت گیرد. با توجه به ماهیت خودکشی که فعلی غیر مشروع و مذموم در باور مذهبی و فرهنگی جامعه ایران است و اطلاعات آن محرمانه محسوب می‌گردد؛ از

محدودیت‌های این مطالعه استفاده از داده‌هایی بود که درصد قابل ملاحظه‌ای از آنها به طور کامل و مرتب تکمیل گردیده بودند. در اکثر داده‌های موجود، علل و انگیزه خودکشی قید شده بود تا استنتاج دقیق‌تری حاصل شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفت و نویسندگان دیگر نظارت بر حسن انجام کار و بازنگری نهایی را عهده‌دار بوده‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آقا بخشی، حبیب (۱۳۷۹). *اعتیاد و آسیب شناسی خانواده*. چاپ نخست، تهران: دانش آفرین.

- بلالی، اسماعیل؛ بابایی، حیدر؛ بابایی، ناهید و پورسینا، محمد (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سبک زندگی بر پیشگیری از جرایم (بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری) در بین زندانیان و غیر زندانیان استان همدان». *فصلنامه دانش/تنظیمی همدان*، ۱(۲): ۱۰۵-۱۴۰.

- شیخوندی، داور (۱۳۸۰). *جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی*. چاپ چهارم، تهران: نشر مرنرئیز.

- شیرزاد، جلال و قره داغی، جابر (۱۳۸۶). «بررسی روش‌ها و علل خودکشی‌های منجر به فوت ارجاع شده به سازمان

- کی نیا، مهدی (۱۳۹۷). مبانی جرم‌شناسی. جلد نخست، چاپ پانزدهم، تهران: مؤسسه و انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- معظمی، شهلا (۱۳۹۰). بزهکاری کودکان و نوجوانان. چاپ نهم، تهران: نشر دادگستر.

- نجفی توانا، علی (۱۳۹۰). جرم‌شناسی. چاپ چهارم، تهران: آموزش و سنجش.

پزشکی قانونی کشور در شش ماهه اول ۱۳۸۳». مجله علمی پزشکی قانونی، ۱۳(۳): ۱۶۳-۱۷۰.

- علاقه مند، علی (۱۳۷۴). جامعه شناسی آموزش و پرورش. چاپ نخست، تهران: حیدری.

- غلامی، حسین (۱۳۹۰). تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم شناختی). چاپ سوم، تهران: نشر میزان.